

پنجشنبه، هشتم شهر شعبان ۱۳۲۹ ، آن چه بر سر این مملکت آورد، عدلیه بود، تمام قلوب مردم از این منزجر نمود. این بساط امروزه، خدا می داند برپا نشد، مگر برای بی اعتدالی های عدلیه و گوش ندادن مردم و وزرا و وکلا به آه مظلومانه اشخاصی که دچار عدلیه، یعنی مار خوش خط و خال می شدند. خلاصه طرف عصر حضرات به شهر رفتند.

با اخوی و موید و شافی درشگه کرایه گرفته، به امامزاده قاسم رفتیم. مخدرات زیادی از هر قبیل بودند. مردم بیکار هم از امثال نگارنده، بدون اراده زیاد در حرکت بودند. قرتی ها و فکلی ها هم در حرکتی به خیال خودشان دل ها می ربودند. غافل از این که وجه کار می کند نه یقه و کراوات.....

برگرفته از کتاب وقایع الزمان؛ خاطرات شکاریه، دوستعلی خان معیرالممالک، به کوشش خدیجه نظام مافی، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۰.